



# ردپای فرهنگ

بخش ۲

## درآمد انسان‌شناسی به مستندسازی

دکتر نعمت‌اله فاضلی  
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

### مقدمه

در شماره قبل آقای دکتر نعمت‌الله فاضلی استاد دانشگاه و متخصص انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی درباره مستندسازی و جایگاه و مناسبات آن با فرهنگ برایمان سخن گفت. در این شماره ادامه مطلب ایشان را در ارتباط با ویژگی‌ها و کارکردهای مستندسازی می‌خوانیم

### ویژگی‌های مستندسازی مدرن

فناوری اینترنت و دنیای مجازی امکان تولید بی‌شمار و انبوه مستندهای گوناگون از تجربه‌های انسانی را به‌وجود آورده است. تولید انبوه مستندات مجازی به پدیده مصرف انبوه مستندات انجامیده است. ما اکنون لحظات زیادی از زندگی خود را برای تماشا، خواندن و شنیدن داده‌ها و مواد و مستندات مجازی صرف می‌کنیم. دنیای مجازی نه تنها امکان ذخیره‌سازی

و مستندسازی تجارب انسانی را به‌وجود آورده، بلکه به مبادله انبوه مستندات مجازی انجامیده است. به کمک اینترنت، شکل‌های گوناگون جابه‌جایی نمادها از طریق فناوری‌های مجازی، ما اکنون می‌توانیم تجارب خود را با انسان‌ها بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی مبادله کنیم.

فناوری‌های مستندساز امروزه دیگر تنها تجربه‌ها را مستند نمی‌کنند بلکه تجربه‌ها را می‌سازند. این اتفاق بزرگی است که رسانه‌های مستندساز و پترین نمایش تجربه‌های ما نیستند بلکه جایی هستند که تجربه‌های ما به واقع شکل می‌گیرند

تولید و مصرف انبوه و مبادله جهانی مستندات فرهنگی موجب شده است که مسئله مستندسازی زندگی انسان به همان

اندازه زیستن اهمیت یابد. در گذشته‌های دور داشتن یک آلبوم عکس خانوادگی نقش مهمی در هویت دادن به زندگی خانوادگی ما داشت. عکس‌های عروسی و روز عقد سندهایی مهم‌تر از سند عقد برای زندگی خانوادگی بود. عکس‌های بچه‌های ما در آلبوم، به پایه‌های محکمی برای قوام بخشیدن به روابط عاطفی زن و شوهر تبدیل شده بود. ما امروز وقتی به عکس‌های سیاه و سفید پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های خود نگاه می‌کنیم، نوعی حس نوستالژیک نسبت به ارزش‌های آن دوران پیدا می‌کنیم. گویی آن روزها، یعنی قدیم‌ها، روزهای باشکوه، باصفا و زیبایی بوده‌اند.

فناوری‌های مستندساز امروزه دیگر تنها تجربه‌ها را مستند نمی‌کنند بلکه تجربه‌ها را می‌سازند. این اتفاق بزرگی است که رسانه‌های مستندساز و پترین نمایش تجربه‌های ما نیستند بلکه جایی هستند که

تجربه‌های ما به واقع شکل می‌گیرند. همه ما می‌دانیم که بخش‌های مهمی از مراسم عروسی و عقد به این دلیل انجام می‌شوند که فیلم مناسبی از آن‌ها ساخته شود.

ما به‌منظور ارائه تجربه‌های زندگی روزمره، این تجربه‌ها را از ابتدا به گونه‌ای خاص برنامه‌ریزی می‌کنیم. معنای دیگر این سخن آن است که مستندسازی از همان ابتدای شکل‌گیری تجربه‌ها آغاز می‌شود. ما تجربه‌هایی را تولید می‌کنیم تا بتوانیم از آن‌ها مستندهای بصری یا کتبی بسازیم. بنابراین در چنین دنیایی، «برساخت اجتماعی مستند» همان «برساخت اجتماعی زندگی روزمره ما» است. دیگر به سختی می‌توان بین آنچه دیده و آنچه تجربه می‌شود، تمایز ماهوی قائل شد. شاید مبالغه نباشد اگر بگوییم در فردای نه‌چندان دور، آنچه مستند می‌شود بیش از آنچه تجربه می‌شود، مهم خواهد شد. در چنین شرایطی است که سیاست‌های فرهنگی ملت‌ها و دولت‌ها بیشترین توجه و تمرکز خود را به همین شیوه‌های مستندسازی معطوف کرده‌اند. اینکه چه چیزی از یک دختر یا کودک ایرانی در قالب فیلم مستند یا فیلم سینمایی یا یک گزارش خبری ساخته می‌شود، مسئله سیاسی مهمی است که حتی امکان دارد با مهم‌ترین مسئله‌های سیاسی روز برابری کند. در چنین دنیایی است که باید از مستندسازی فرهنگی یا مستندسازی تجربه‌های زندگی روزمره به‌عنوان رکن سیاست فرهنگی و سیاست زندگی نام برد.

### کارکردهای مستندسازی فرهنگی

مستندسازی و ذخیره‌کردن تجربه‌های انسانی، مانند هر عنصر فرهنگی دیگری لاجرم باید به نیازهای گوناگون فردی و اجتماعی پاسخ دهد. ما در علوم اجتماعی معمولاً سازوکار پاسخ‌دهی عناصر فرهنگی به نیازها را «کارکرد» و مطالعه عناصر فرهنگ از این دیدگاه را «تحلیل

کارکردی» می‌گوییم.

### ۱. انتقال فرهنگ

مستندسازی یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال فرهنگ و تجربه‌های انسانی در طول تاریخ و از نسلی به نسل دیگر است. ما اکنون از طریق مطالعه صخره‌نگاری‌های به جای مانده از ۳۰ هزار سال پیش، که فرهادی در کتاب «موزه‌هایی در باد» آورده است، با تجربه‌های اجداد باستانی‌مان آشنا می‌شویم. صخره‌نگاری‌های مزبور در تمام ۳۰ هزار سال گذشته منبع فرهنگی مهمی برای میلیون‌ها میلیون انسانی بوده است که آن‌ها را مشاهده کرده‌اند. این ردپای فرهنگی، نظام‌های اعتقادی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌ها و ابزارهای تولید و به‌طور کلی شیوه زندگی و جهان‌بینی ویژه‌ای را منتقل می‌کند. مطالعه فرهادی بیان‌کننده این نکته است. بنابراین انسان‌ها از طریق ابزارها و روش‌های مختلف مستندسازی به آموزش، یاددهی، یادگیری و به‌طور کلی فرایند انتقال فرهنگ می‌پردازند.

مستندسازی فرهنگ نوعی فعالیت خنثی یا بی‌طرف نیست. افراد و گروه‌ها همواره بخش‌های معینی از تجربه‌های خود را برای ثبت و ذخیره‌سازی گزینش می‌کنند. همچنین، بخش‌های گزینش شده برای ذخیره‌سازی با روش‌های متفاوتی اولویت‌بندی، برجسته و مهم می‌شوند

### ۲. بازاندیشی و درخودنگری

یکی از مهم‌ترین نیازهای هر فرهنگی تأمل و بازنگری در خود به‌منظور ایجاد تغییر، بومی‌سازی، اصلاح خود، سازگاری با محیط و به‌طور کلی حرکت به‌سوی پیشرفت و تعالی است. منظور از تأمل یا درخودنگری، توجه به تجربه‌های فرهنگی و تلاش برای نقد و ارزیابی

آن‌ها و یافتن جنبه‌های سازنده یا مخرب این تجربه‌هاست. همه ملت‌ها، گروه‌ها و فرهنگ‌ها باید بتوانند همه آنچه را تجربه می‌کنند، مجدداً مورد ارزیابی و قضاوت اخلاقی و معرفت‌شناسانه قرار دهند.

از طریق این نوع ارزیابی‌ها و قضاوت‌هاست که می‌توانیم راه‌های بهبود و اصلاح زندگی فردی و اجتماعی خود را شناسایی کنیم. تغییر در زندگی فردی و اجتماعی تا حدودی محصول این تأمل و بازنگری است. لازمه این‌گونه بازنگری و تأمل آن است که تجربه‌های انسانی و فرهنگی به صورت‌های گوناگون ثبت و مستند شوند تا ما بتوانیم این تجربه‌ها را به مثابه نوعی متن، بازخوانی و رمزگشایی کنیم.

### ۳. کارکرد سیاسی

همه فرهنگ‌ها و جوامع برای بقا و دوام خود به نوعی نظام تولید قدرت احتیاج دارند. نظام‌های سیاسی، اعم از نظام‌های پیشامدرن یا نظام‌های مدرن، نظام‌های قبیله‌ای یا عشیره‌ای که در آن‌ها ساختار قدرت بر خون و تبار استوار است، یا نظام‌های سلطنتی، نظام‌های دموکراتیک انتخاباتی، یا هر نوع نظام دیگری، همگی وظیفه نظم و سامان دادن به مسائل سیاسی و چگونگی تولید و توزیع قدرت را برعهده دارند. مستندسازی و ذخیره‌سازی فرهنگ یکی از مؤلفه‌های مهم نظام‌های سیاسی و از عوامل مهم تأثیرگذار بر فرایندهای تولید و توزیع خدمات در تمام جوامع است.

گروه‌های اجتماعی می‌کوشند از راه مستندسازی و ذخیره‌کردن تجربه‌های انسانی و اجتماعی خود، راه‌هایی برای دیده شدن و رسمیت یافتن و رسمیت بخشیدن و مشروعیت دادن به جهان‌بینی، منافع و عملکردهای خود پیدا کنند. مستندسازی فرهنگ نوعی فعالیت خنثی یا بی‌طرف نیست. افراد و گروه‌ها همواره بخش‌های معینی از تجربه‌های خود را برای ثبت و ذخیره‌سازی گزینش



می‌کنند. همچنین، بخش‌های گزینش شده برای ذخیره و مستندسازی با روش‌های متفاوتی اولویت‌بندی، برجسته و مهم می‌شوند. به عبارت دیگر، در ذخیره کردن و مستندسازی نوعی نظام سلسله‌مراتبی حاکم است. از این دیدگاه هر فرهنگی متناسب با جهان‌بینی و نظام اعتقادات و همچنین نیازها و شرایط زیست‌محیطی‌اش، موارد و تجربه‌های خاصی را با شیوه‌های متفاوت مورد تأکید قرار می‌دهد و برجسته‌سازی، ثبت و ذخیره می‌کند.

#### ۴. کارکرد اقتصادی

امروزه بخش مهمی از اقتصاد جهان حول و حوش مبادله نمادها انجام می‌گیرد؛ مبادله‌ای که در آن مجموعه عظیمی از تصویرها، صداها و اشیا تولید و در یک شبکه عظیم جهانی توزیع می‌شوند و در نتیجه آن، اقتصاد فرهنگ شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. همه ما امروزه تجربه خرید «سی‌دی» موسیقی یا فیلم و انواع خریدهای فرهنگی دیگر را داریم. امروزه در هر خانه‌ای در کنار یخچال، میلمان، فرش و دیگر لوازم زندگی، انبوهی از کالاهای هنری و فرهنگی وجود دارند. بخشی از این کالاهای فرهنگی و هنری - دقیق‌تر بگوییم تمام آن‌ها -

حاصل تلاش انسان برای مستندسازی فرهنگ است. تصویر تابلوهای نقاشی استاد محمود فرشچیان یا حتی آلبوم عکس‌های خانوادگی که تصویرهای نوستالژیک پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های ما را در چند سال پیش نشان می‌دهند، یا همان فیلم عروسی برادر بزرگ ما، همه کالاهای فرهنگی حاصل مستندسازی هستند که مجموعه وسیعی از حرفه‌مندان و صنعتگران با آن‌ها کسب و کار می‌کنند. عکاسان، فیلم‌برداران حرفه‌ای، کارگردانان، فیلم‌سازان، گرافیست‌ها، طراحان، مجسمه‌سازان، مجموعه‌داران، معماران، دست‌فروشان و صاحبان دهه‌ها حرفه و پیشه فرهنگی دیگر، همه کسانی هستند که در حوزه صنایع فرهنگی، بازار

فرهنگ و اقتصادی مشغول کسب و کارند. گفته می‌شود، حجم سرمایه‌های اقتصادی که امروزه در حوزه صنایع فرهنگی و بازار فرهنگ گردش می‌کند، بیش از حجم سرمایه‌های حوزه اقتصاد نفت و اقتصاد کارخانه است. مستندسازی یکی از بخش‌های مهم اقتصاد فرهنگ در جهان امروز است. کافی است به تجربه‌های دم دست و پیش پا افتاده که عنوان مستند بر آن‌ها ثبت شده است، نگاه کنیم.

**ایرانی بودن در برابر بودن‌های دیگر زمانی معنا پیدا می‌کند که تجربه‌های انسان ایرانی به صورت شاهکارهای ادبی، فیلم‌های سینمایی، تولیدات علمی و فلسفی و راهبردهای دیگر مستندسازی، ثبت، مستند و ارائه شود**

#### ۵. کارکرد فرهنگی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مستندسازی نقش آن در شکل دادن و توسعه هویت‌های فرهنگی است. گروه‌های اجتماعی از طریق ثبت و ذخیره‌سازی تجربه‌های خاص خود، مرزهای نمادین بین خود را که موجب تمایز آن‌ها از گروه‌های اجتماعی دیگر می‌شود، شکل

می‌دهند. مستندسازی راهی برای تولید هویت‌ها و تداوم آن‌هاست. گروه‌های اجتماعی مختلف از طریق مستندات هنری، ادبی، علمی و آیینی، به نوعی هستی جمعی و تاریخی‌شان را شکل می‌دهند. ایرانی بودن در برابر بودن‌های دیگر زمانی معنا پیدا می‌کند که تجربه‌های انسان ایرانی به صورت شاهکارهای ادبی، فیلم‌های سینمایی، تولیدات علمی و فلسفی و راهبردهای دیگر مستندسازی، ثبت، مستند و ارائه شود. ایرانی بودن بیش از آنکه در ابعاد جسمانی انسان‌های ایرانی تعریف خود را پیدا کند، در جهان هنرها، ادبیات و تولیدات نمادین هستی می‌یابد.

#### منابع

۱. بریگز، ایسا و برک، پیتزر (۱۳۹۰). تاریخ اجتماعی رسانه‌ها: از گوتنبرگ تا اینترنت. ترجمه حسین نمک‌دوست تهرانی. انتشارات همشهری. تهران
۲. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۴) «ایران در چهار کهنکشان ارتباطی» (سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز). انتشارات سروش. تهران
۳. مرتهضی (۱۳۷۷) موزه‌هایی در باد. انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. تهران
۳. مید، مارگارت (۱۳۸۵) فرهنگ و تعهد: مطالعه‌ای در زمینه شکاف نسل‌ها. ترجمه عبدالعلی دست‌غیب. نوید شیراز
۴. جیمز و بنی، جان و بایلی، گریک و گریلو، رالف و هوپل، آدامسون (۱۳۹۰) انسان‌شناسی فرهنگی ترجمه نعمت‌الله فاضلی. انتشارات آراسته. تهران